

# قدرت سرنیزه ناپلئونی یا انرژی اتمی؟!

نوشته دکتر حسین ابوترابیان

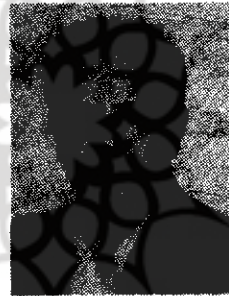
مطبوعات و نشریات، و بطور کلی هر آنچه طبع و نشر می‌شود، اعم از مجله و روزنامه و کتاب (که در تقسیم‌بندی وسایل ارتباط جمعی از اجزای «کهنکشان گوتنبرگ» به حساب می‌آیند) قدرتی است که هم می‌تواند سازنده ملت‌ها باشد و هم نابود کننده ملت‌ها؛ چرا که قلم بسیار تیزتر و برنده‌تر از شمشیر و نیز نافذتر و کوبنده‌تر از گلوله است. ناپلئون چه خوب گفته است که: «من از قدرت قلم بیشتر می‌ترسم تا از عظمت یک لشکر دشمن».

البته در زمانه ما قلم فقط در خدمت مطبوعات و نشریات قرار ندارد، بلکه همه وسایل ارتباطی به هر شکلی که باشند، اعم از وسایل شنیداری و دیداری و نوشتاری، از قلم تغذیه می‌کنند، و یا سرچشمه اول موجودیتشان «قلم» است. بنابراین، علی‌رغم گسترش اعجاب‌انگیز وسایل ارتباطی الکترونیک، نه تنها از اهمیت و قدرت قلم کاسته نشده، بلکه صد چندان افزایش نیز یافته است.

در عین حال باید این نکته را هم در نظر داشت که رسانه‌های دیداری و شنیداری (رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، ...) به دلیل گذرا بودنشان هرگز قادر نیستند مثل رسانه‌های نوشتاری بر جامعه اثر عمیق و پایدار و ریشه‌ای بگذارند. زیرا مطبوعات (و کتاب) را می‌شود با خود به همه جا برد؛ مکرر مطالعه کرد تا نکات لازم را دریافت؛ از بحث‌ها و مقاله‌های آن (اگر سنگین و عمیق باشند) به دفعات استفاده برد؛ و مطالب و نکته‌های جالب توجه و مورد نیاز را جداگانه نگهداشت تا در صورت لزوم بارها و بارها مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این وضع گرچه در مورد ویدئو و کامپیوتر هم می‌تواند مصداق داشته باشد، اما ناگفته پیداست که سهولت جابه‌جایی و استفاده از مطالب رسانه‌های نوشتاری هرگز به پای دیگر رسانه‌ها نمی‌رسد؛ و نیز قیمت مطبوعات به نسبت حجم مورد بهره‌برداری اصلاً قابل مقایسه با هزینه استفاده از نوارهای ویدئویی و الواح کامپیوتری نیست. بخصوص که مطالب منتشر شده در مطبوعات اغلب اطلاعات روز است؛ و این امر در سایر رسانه‌ها فقط به

تلویزیون و رادیو محدود می‌شود، نه ویدئو و کامپیوتر.

از سوی دیگر می‌دانیم که مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی نیز عمدتاً افراد عادی (و بعضاً عامی) جامعه هستند و گردانندگان برنامه‌های رادیو-تلویزیونی وقت خود را کمتر صرف تدارک برنامه‌های عمیق آگاهی بخش می‌کنند. چون در این صورت، به دلیل کاهش بیننده و شنونده نمی‌توانند از درآمد هنگفت آگهی‌ها برخوردار شوند. و این وضعیتی است که حتی در مورد رادیو تلویزیون‌های دولتی هم مصداق دارد. زیرا گرچه آنها اغلب با بودجه دولتی اداره



دکتر حسین ابوترابیان

می‌شوند و نیاز چندانی به درآمد آگهی‌ها ندارند، اما چون ناچار به تهیه و بخش برنامه‌های عوام پسندانه هستند، حتی اگر تمایل هم داشته باشند نمی‌توانند به کیفیت برنامه‌ها بپردازند. چرا که اصولاً هدف آنها جلب و جذب مردم عادی و عامی است و لذا اگر برنامه‌هایشان را عمیق و سنگین کنند، بی‌تردید آمار مشتریان را به حداقل کاهش خواهند داد و بینندگان یا شنوندگان آنها به سمت کانال‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی کم عمق و سهل‌الهمضم کشیده خواهند شد.

## اثرگذاری ناپایدار

هر چند تلویزیون-بخصوص در چند سال اخیر- با برنامه‌های تصویری مستقیم بین قاره‌ای (معروف به امواج تلویزیونی ماهواره‌ای) به صورت نافذترین و اثرگذارترین رسانه‌ها معرفی شده است، اما با وجود این اثر تلویزیون اغلب موقت و گذراست و هرگز حالت ماندگار و پایدار مطبوعات را ندارد. چنان که

رادیو نتوانست سالنهای کنسرت و مراسم سخنرانی را بی‌رونق کند؛ تلویزیون نتوانست سینما را از بین ببرد؛ ویدئو نتوانست تلویزیون را از سکه بیندازد؛ و اینک تقریباً مشخص شده است که امواج تلویزیونی ماهواره‌ای نیز بیشتر جنبه سرگرم‌کننده به خود گرفته و اثر بخشی آن بر افکار و ذهنیات مردم کمتر از جدی است که قبلاً حدس زده می‌شد. زیرا آن چه بر افکار و ذهنیات مردم اثر می‌گذارد، همان است که نخبگان و متفکران و روشنفکران جامعه می‌خوانند و آن چه که این سه گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مطبوعات و انتشارات است، نه رادیو، تلویزیون و ماهواره و سایر رسانه‌های غیرمکتوب.

**مطبوعات قادرند (البته اگر بخواهند) نخبگان و متفکران و روشنفکران هر جامعه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند و از طریق نفوذ بر آنها، یا بهره‌گیری از توانمندی‌هایشان، رهبران فکری جامعه را در مسیرهای خاص پیش ببرند یا به آنها اجازه دهند تا جامعه را در مسیرهای مورد نظر خودشان هدایت کنند. و درست در همین جاست که آثار عملکرد مطبوعات به عنوان یک شمشیر دولبه ظاهر می‌شود: اگر درست و اصولی به کار برده شود سازنده ملت‌هاست، و در غیر این صورت نابودکننده ملت‌ها خواهد بود.**

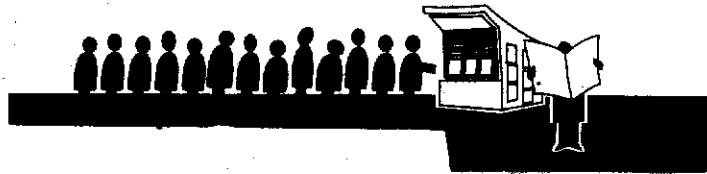
از ناپلئون مطلب دیگری هم به این مضمون نقل شده است که: «از روزنامه مخالف باید بیش از هزار سرنیزه تولید...» او این کلام را در زمانی بیان کرد که مطبوعات نقش ارتباطی قابل توجهی در جامعه نداشتند. ولی امروز که رسانه‌ها و بخصوص مطبوعات در جهان نقشی فوق تصور دارند، باید این جمله ناپلئون را تصحیح کرد و گفت: برای مطبوعات باید ارزشی و اهمیتی بیش از انرژی اتمی قائل شد.

بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که اگر دولتی این انرژی قدرتمند را در جهت سازندگی و توسعه و اعتلای فکری جامعه به کار گیرد، موفق می‌شود و بر قدرت و وجاهت خود می‌افزاید. ولی هر دولتی که بخواهد از این انرژی برای تهدید و سرکوب اندیشمندان و رهبران فکری جامعه استفاده کند، یکی از همان بمب‌هایی که برای نابودی متفکران جامعه به کار می‌گیرد، لاجرم بر سر خودش منفجر خواهد شد و

اساس موجودیتش را به هم خواهد ریخت. این حقیقتی است که تجربه تاریخ آنرا ثابت کرده است، و سرنوشت رژیم شاه نیز بر این مدعا صخه می‌گذارد که هر رژیمی با اهل قلم و اندیشه درافتد، همان بر سرش

می‌آید که تاکنون بر سر رژیمهای سرکوبگر مصلحان، اندیشمندان و روشنفکران آمده است.

مطبوعات هم جولانگاه اهل قلم و اندیشه است و هم تأثیرگذارنده بر آنها. در حالی که می‌دانیم خط فکری و عقیدتی مردم هر جامعه نیز همان است که توسط متفکران و نخبگان ترسیم می‌شود، پس نباید لحظه‌ای تردید کرد که هر چه در یک کشور پیش می‌آید، مستقیم یا غیرمستقیم با وضعیت حاکم بر مطبوعاتش ارتباط دارد. به همین دلیل اگر مطبوعات در شرایطی باشند که بتوانند مسئولانه رفتار کنند و مردم را بسازند، مسیر فرهنگ جامعه در جهت توسعه و تکامل هموار می‌شود؛ ولی اگر وضع مطبوعات به گونه‌ای باشد که خام طبعان و جاهلان و مفرضین بر آن تسلط یابند و هادفشان تأثیرگذاری بر عوام و ساده‌پسندان باشد، جامعه به کوره راههای سنگلاخ کشیده می‌شود و فاجعه‌ای مضاعف رخ می‌دهد. زیرا به جای کوشش در راه روشنی فکر جامعه؛ هم



#### Fourth Estate) را داده‌اند و این

لقب را، هم در دوران قسبل از دموکراسی و هم بعد از ظهور دموکراسی، شایسته مطبوعات دانسته‌اند. این امر دلیلی ندارد جز آن که مطبوعات از همان آغاز دوره

ظهورشان به صورت یک قدرت درآمدند و نفوذ و اهمیت خود را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی نشان دادند. در دوران قبل از دموکراسی، مطبوعات را پس از سه رکن اصلی جامعه (روحانیت، اشراف، توده مردم) قرار می‌دادند. در دوران بعد از دموکراسی، مطبوعات را پس از سه رکن اصلی جامعه (قوای اجراییه، مقننه، قضائیه) قرار داده‌اند. بنابراین، وقتی در حکومت دموکراسی این اصل مسلم پذیرفته شده که حاکمیت مردم فقط در صورت استقلال و تفکیک قوا میسر است و لاغیر؛ پس قوه چهارم (یعنی مطبوعات) هم باید از استقلال برخوردار باشد تا بتواند وظیفه خود را به عنوان رکن چهارم این مجموعه کاملاً انجام دهد. ولی البته مثل دو قوه اجراییه و مقننه، اگر منحرف شد یا قدمی خلاف مصالح ملی و اجتماعی برداشت، فقط در مقابل قوه قضائیه پاسخگو باشد، نه هیچ عمر و زید دیگری....

اطلاعات نامتعادل، غیرواقعی، مفرطانه، تحریف شده و شعارآمیز باعث گمراهی مردم و بازداشتن ایشان از یافتن مسیر صحیح می‌شود؛ و هم کسانی از همکاری با مطبوعات و بقیه رسانه‌ها باز می‌مانند که اهل فکر و قلمند و بدون آنها هیچ رسانه‌ای بطور صحیح و اصولی تقلید نمی‌شود.

اطلاعات نادرست و تحریف شده حتی اگر برای زشت جلوه دادن دشمن و زیبا نمودن دوست هم باشد باز ناپسند و گمراه کننده است؛ زیرا وقتی محاسن دشمن را عیب دانستیم و عیوب دوستان را جزو خوبیهایشان به حساب آوردیم، جامعه از مسیر واقعگرایی دور می‌شود و به قضاوت‌های احساسی و ظاهرپسندانه عادت می‌کند... ناگفته پیداست که چنین جامعه‌های مرکز رو به رشد و توسعه فرهنگی نخواهد گذاشت و در جامعه ملل به پائین ترین درجات از نظر بینش اجتماعی سقوط خواهد کرد.

بهبوده نیست که به مطبوعات لقب «رکن چهارم»

## دانشجویان و استادان رشته‌های مدیریت، علوم اجتماعی، ارتباطات، کامپیوتر، فلسفه و علوم تجربی و مدیران رشته‌های مختلف

دو اثر تالیفی از: محسن قانع بصیری

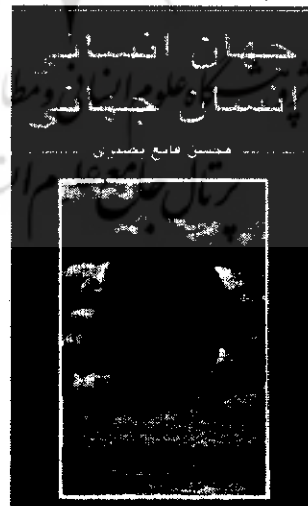
کتاب «از اطلاعات تا آگاهی»

تحلیلی است از تئوری جدید تعادلات سه جزئی

این کتاب به روابط میان جرم، انرژی و اطلاعات می‌پردازد.

کتاب «از اطلاعات تا آگاهی، تحلیلی است سیبرنتیکی از روابط میان اقتصاد، سیاست و فرهنگ»

عزیزان شهرستانی نیز می‌توانند مبلغ ۲۲۰۰۰ ریال به حساب جاری ۸۳۰۴/۰ بانک ملت کریمخان زند به نام داود میم‌باشی واریز و اصل و فیش و آدرس کامل خود را به صندوق پستی ۱۵۷۴۵-۹۷۵ تهران ارسال نمایند.  
مرکز پخش: تهران - تلفن ۳۱۷۵۷۲۵ - میم‌باشی



به روابط میان انسان فردی با انسان اجتماعی، معرفت، عقل، فرهنگ منطقه‌ای با فرهنگ جهانی می‌پردازد.

کتاب «جهان انسانی، انسان جهانی» تاریخ تحول شناخت آدمی از آغاز تا دوره مدرنیته و زمان حاضر می‌باشد. این کتاب نقدی است بر مدرنیته و تأثیر آن بر محیط زیست مادی و معنوی بشر.

کتاب «جهان انسانی، انسان جهانی» تحلیلی است از روابط میان اخلاق و عقل، خلاقیت و جاودانگی.

این کتاب کوششی است برای تبیین پدیده تکامل در مدارای از خلاقیت فردی تا ارتباطات اجتماعی با توجه به مفاهیم رشد و توسعه.

فروش در کلبه کاشروسی‌های بنسیر و مرکز آموزش مدیریت دولتی: خیابان اسد نجف‌آلینی سنالی، روبروی کلسک ایران